

تحلیل سیاسی هفته (۲۷) پیامها و پیامدهای ترور برهان‌الدین ربانی

ترور برهان‌الدین ربانی رئیس‌جمهور سابق افغانستان به دست گروه طالبان نگرانی‌های قابل اعتنایی را در خصوص چشم‌انداز امنیت و ثبات سیاسی در افغانستان ایجاد کرده است. این اتفاق نشان می‌دهد که علیرغم همه تلاش‌ها و اقدامات معطوف به تأمین امنیت در افغانستان شرایط این کشور تا چه اندازه متزلزل و ناامن است. برهان‌الدین ربانی مهمترین فردی است که در افغانستان از سال ۲۰۰۱ ترور شده است. ترور افرادی نظیر او و نیز ترور چندی پیش برادر حامد کرزای رئیس‌جمهور افغانستان خود نشانه قوی مبنی بر افزایش ناامنی‌ها و چالش‌های امنیتی در این کشور طی سال‌های اخیر است.

ترور برهان‌الدین ربانی با توجه به شرایط کنونی افغانستان و نیز جایگاه وی در ترتیبات سیاسی این کشور حاوی پیامها و پیامدهای مهمی است که توجه به آنها برای درک مسائل کنونی و پیش‌بینی فرآیندهای احتمالی آتی افغانستان از اهمیت اساسی برخوردار است.

پیامها

۱. عدم تعهد و تمایل طالبان به برقراری صلح و امنیت در افغانستان و پیشبرد روند آشتی و مصالحه در این کشور مهمترین پیام ترور برهان‌الدین ربانی است. ربانی رئیس شورای عالی صلح در افغانستان بود که وظیفه مذاکره با گروه طالبان را برعهده داشت. سابقه او در تماس با طرف‌های مختلف داخلی و خارجی برای پایان دادن به مناقشه و ناامنی در افغانستان وی را به نماد پیام‌آور صلح و امنیت در این کشور تبدیل کرده بود. از این رو هدف قرار دادن وی آشکارا به معنای مخالفت طالبان با فرآیند صلح و آشتی ملی در افغانستان قلمداد می‌شود. در واقع این ترور تأییدی بر عدم اعتقاد طالبان به مذاکرات صلح در افغانستان است.

۲. از سوی دیگر این ترور، نشان‌دهنده نادرستی ادعاهای مطرح شده از سوی آمریکا و برخی مقامات دولت مرکزی در خصوص پیشرفت فرآیند صلح و بهبود اوضاع امنیتی در افغانستان است. آمریکایی‌ها به‌ویژه پس از کشته شدن اسامه بن‌لادن از پدید آمدن اوضاع امنیتی بهتر و ارتقای ضریب ثبات و آرامش در این کشور خبر می‌دادند. حال آنکه ترورها و بمبگذاری‌های متعدد از سوی طالبان که به‌ویژه در چند هفته اخیر افزایش قابل توجهی یافته است نشان می‌دهد که وضعیت امنیتی افغانستان برخلاف ادعاهای مقامات آمریکایی تغییری نکرده و به‌زعم برخی تحلیلگران حتی روند رو به نزولی نیز داشته است.

۳. پیام مهم دیگر ترور برهان‌الدین ربانی به دست گروه طالبان آن است که سیاست آمریکایی امتیاز دادن به این گروه برای متقاعد کردن آنها به ترک خشونت و ترغیب به مشارکت در فرآیند صلح نتیجه‌بخش نیست. آمریکایی‌ها اقداماتی نظیر مذاکره با طالبان و یا تصویب قطعنامه‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ که منجر به لغو تحریم‌ها بر

ضد برخی از سران طالبان شد را در چارچوب این استدلال توجیه می‌کردند که اعطای امتیاز به طالبان می‌تواند موجب انصراف آنها از اقدامات خشونت‌بار در افغانستان شود و بدین ترتیب زمینه بهتری برای برقراری صلح و ثبات در این کشور فراهم شود. حال آنکه تدارک چندین حمله تروریستی از سوی طالبان در نقاط مختلف افغانستان بلافاصله پس از تصویب این قطعنامه‌ها و نیز اقداماتی چون ترور برادر حامد کرزی و نیز ترور برهان‌الدین ربانی نشان می‌دهد که اعطای امتیاز به این گروه در شیوه فعالیت و عملکرد طالبان که قتل، ترور و مبارزه‌طلبی یکی از مهمترین اجزای آن است تغییری نخواهد داد. سیاست آمریکا مبنی بر مذاکره با طالبان از سوی سران این گروه نشانه ضعف آمریکا و دولت مرکزی افغانستان قلمداد شده و همین مسئله انگیزه‌های آنان برای افزایش حملات خشونت‌بار خویش را چند برابر کرده است. در واقع هرگاه که اراده‌ای برای اعطای امتیازات بیشتر به طالبان شکل گرفته، ناامنی‌ها و خشونت‌ها از سوی این گروه نیز افزایش یافته است. کمالینکه ترور برهان‌الدین ربانی درست زمانی به انجام رسید که اخباری درخصوص موافقت آمریکا و متحدان آن با حمایت از یک طرح ارائه شده از سوی دولت افغانستان مبنی بر گشایش دفتر سیاسی طالبان در قطر به گوش می‌رسید. از این رو به نظر می‌رسد که ربانی قربانی سیاست آمریکا برای مذاکره با طالبان و اعطای امتیاز به آن شد.

۴. سیاست آمریکا در افغانستان بر مبنای حذف نیروهای جهادی مخالف آمریکا تنظیم شده است. ربانی از منتقدان جدی حضور آمریکا در افغانستان بود. علاوه بر آن، وی رابطه نزدیکی با ایران داشت و همین مسئله حساسیت آمریکا نسبت به او را دوچندان می‌ساخت. حضور ربانی در اجلاس بیداری اسلامی در تهران و مواضع وی در این اجلاس خود مبین نزدیکی وی به گفتمان انقلاب اسلامی و فاصله او از آمریکا بود. از این رو حذف وی از صحنه سیاسی افغانستان حادثه‌ای سازگار با منافع آمریکا محسوب می‌شود. عدم واکنش فعال آمریکا نسبت به ترور وی خود نشانه خرسندی واشنگتن از حذف ربانی است.

این مسئله می‌تواند مقوم تحلیل‌هایی باشد که از احتمال هماهنگی آمریکا با طالبان برای ترور ربانی خبر می‌دهند. به‌ویژه آنکه در چند ماه گذشته اخبار مستندی از تماس‌ها و ملاقات‌های محرمانه آمریکایی‌ها با مقامات طالبان در داخل و خارج افغانستان منتشر شده است. هدف آمریکا از این مذاکرات تقویت حضور طالبان در ساختار قدرت آینده افغانستان به‌عنوان تضمینی برای تداوم دخالت‌های واشنگتن در این کشور و محدود کردن حضور ایران در افغانستان است. ترور برهان‌الدین ربانی با هدف حذف یکی از موانع فراروی تحقق این اهداف صورت گرفته است.

پیامدها

۱. تطویل و تعویق فرآیند صلح و آشتی در افغانستان مهمترین پیامد ترور برهان‌الدین ربانی است. ربانی ریاست شورای عالی صلح افغانستان را برعهده داشت، نهادی که مسئول اصلی برقراری ارتباط و تماس با گروه‌های مخالف خصوصاً طالبان برای پیشبرد فرآیند آشتی ملی و تحقق صلح بود، حال آنکه ترور رئیس این نهاد که شخصیتی ملی و به مراتب قابل اعتماد برای تمام گروه‌ها و اقوام بود از دشواری فرآیندهای معطوف به برقراری

صلح در افغانستان حکایت می‌کند. قطعاً خلأ ربانی در افغانستان به‌عنوان یک عنصر مشوق صلح و امنیت به زودی قابل جبران نخواهد بود و همین مسئله توقفی عمده برای پیشبرد مذاکرات صلح ایجاد خواهد کرد. ازسوی دیگر ترور ربانی ناامیدی بسیاری از گروه‌ها نسبت به موفقیت فرآیند صلح از طریق مذاکره با طالبان را در پی خواهد داشت و همین مسئله می‌تواند حمایت‌ها از چنین فرآیندی را کاهش دهد. نتیجه این وضعیت، تیره شدن چشم‌انداز برقراری صلح فراگیر در افغانستان خواهد بود.

۲. تشدید اختلافات قومی در افغانستان می‌تواند پیامد دیگر ترور ربانی در افغانستان باشد. ربانی ارتباطات و تماس‌های استثنایی با تمام جوامع قومی افغانستان داشت. هرچند که او خود یک تاجیک بود، اما سازمان او در دوران مبارزه با اتحاد جماهیر شوروی از فرماندهان بزرگی از پشتون‌های قندهار، پکتیا، جلال‌آباد و سایر مناطق تشکیل شده بود. وی نقش مؤثری در نزدیکی و تقریب اقوام مختلف در افغانستان داشت و تلاش‌های مهمی برای کاهش رقابت‌ها و تنش‌های قومی در این کشور انجام داده بود. جامعه افغانستان جامعه‌ای است که در آن تعلقات فراملی بر هویت ملی برتری دارد و در این میان وفاداری‌های قومی محور اصلی همبستگی فراملی محسوب می‌شود. چنین جامعه‌ای به‌شدت نیازمند وجود افرادی است که ورای ملاحظات قومی در پی تقویت بنیان‌های هویت ملی هستند. ربانی از معدود افراد شاخصی بود که در راستای همبستگی اقوام افغانی فعالیت چشمگیری داشت و از این رو حذف وی از صحنه سیاسی افغانستان بر روند همبستگی ملی از طریق وحدت اقوام، تأثیر منفی بر جای خواهد گذارد.

۳. ترور ربانی همچنین می‌تواند مخالفت‌ها با حکومت مرکزی افغانستان به رهبری حامد کرزی را افزایش دهد. اکنون جناح‌های تاجیک در افغانستان ترور برهان‌الدین ربانی که خود یک تاجیک بود را به کم‌کاری و سهل‌انگاری حکومت نسبت داده و بر همین اساس انتقادات از دولت را افزایش داده‌اند. در این زمینه عبدالله عبدالله یکی از رهبران تاجیک و از مخالفان دولت، انتقادات تندی را متوجه شخص کرزی کرده و وی را در ترور ربانی مقصر قلمداد کرده است. انتقادات از حامد کرزی و دولت مرکزی افغانستان به حدی افزایش پیدا کرده که برخی کارشناسان احتمال وقوع یک جنگ داخلی دیگر در افغانستان را محتمل دانسته‌اند. ضمن اینکه ترور رهبر برجسته تاجیک‌ها توسط گروه طالبان، مخالفت‌ها با سیاست دولت مرکزی مبنی بر مذاکره و مصالحه با این گروه را افزایش خواهد داد. کاهش حمایت‌ها از حکومت مرکزی در نهایت تضعیف دولت کرزی را در پی خواهد داشت. از این رو به‌نظر می‌رسد تجدیدنظر درخصوص سیاست مذاکره با طالبان که اساساً یک سیاست طراحی شده و مورد حمایت آمریکا است می‌تواند راهکار مؤثری برای کاهش تبعات منفی ترور برهان‌الدین ربانی در افغانستان باشد.

۴. حذف برهان‌الدین ربانی ضربه مهمی به موقعیت تاجیک‌ها در ساختار قدرت افغانستان خواهد زد. از این رو قابل پیش‌بینی است که آنها برای جلوگیری از فرسایش موقعیت خود در افغانستان تمهیدات مختلفی را در دستور کار قرار دهند.